



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

خصوصیت ترامپ با نهادهای بین‌المللی



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب‌سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مرتضی هوشیار

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- مقدمه ۲
- اتحاد یا انزوا؛ دو رویکرد مختلف در هیئت حاکمه آمریکا (سابقه یکجانبه‌گرایی آمریکا) ۲
- خروج گام به گام آمریکا از نهادها و تعهدات بین‌المللی ۴
- رویکرد ترامپ در قبال کارکرد محاکم بین‌المللی ۷
- کلام آخر ۷



وقوع دو جنگ جهانی خانمانسوز در قرن بیستم اهمیت شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی را با هدف جلوگیری از تکرار جنگی مشابه برجسته کرد. برای رسیدن به این هدف؛ ایجاد سازمان‌های فراگیر بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد اندیشه‌ای راهگشا در این رابطه به نظر می‌رسید. دولت آمریکا نیز با هدف بهره‌برداری حداکثری تلاش کرد با ایجاد ساختاری نوین و البته مطلوب خود در عرصه بین‌الملل، گام بردارد. لذا در بُعد امنیتی ناتو را تأسیس کرد و در عرصه اقتصادی نهادهایی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سپس سازمان تجارت جهانی را بنیان نهاد و این روند تا چندی پیش تداوم یافت.

اما چندی است که ترامپ بی‌توجه به تبعات تصمیمات خود، سازمان‌های بین‌المللی را مورد هدف قرار داده و در راستای "انزواگرایی" اقدامات خود را به اجرا در می‌آورد. بررسی مختصر کارنامه بین‌المللی ترامپ در دوره ریاست جمهوری‌اش گویای این واقعیت است که؛ تعهدگریزی و بی‌اعتنایی به سازمان‌های مهم بین‌المللی از بارزترین ویژگی‌های رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا است.

در این راستا دولت ترامپ چندی پیش، بی‌اعتنا به افکار عمومی و جامعه جهانی از سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) و همچنین شورای حقوق بشر ملل متحد خارج شد. افزون بر آن، خروج آمریکا از پیمان تجاری شراکت فرا پاسیفیک (تی.پی.پی)، توافقنامه اقلیمی پاریس، پیمان مهاجرتی سازمان ملل، قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از عمق مسئولیت‌گریزی ترامپ حکایت می‌کند.^۱ پژوهش پیش رو که با شیوه اسنادی انجام شده، تلاش دارد رفتارهای تعهدگریز ترامپ را در قبال نهادهای حقوق بین‌الملل به‌طور مختصر تبیین نماید.

□ اتحاد یا انزوا؛ دو رویکرد مختلف در هیئت حاکمه آمریکا (سابقه یکجانبه‌گرایی آمریکا)

در سیاست خارجی آمریکا دو سنت اصلی و متضاد یعنی "انزواگرایی" و "جمع‌گرایی" (بین‌الملل‌گرایی) وجود دارد به طوری که می‌توان سیاست خارجی این کشور را حاصل کشمکش بین سنت‌های انزواگرایی و جمع‌گرایی (بین‌الملل‌گرایی) دانست. سنت انزواگرایی بر آن است که مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با سایر واحدهای سیاسی را به حداقل کاهش دهد. بی‌شک عوامل و معیارهایی مثل نیازهای داخلی، شرایط ژئوپلیتیک، تهدیدات و فشارهای خارجی و بافت و ساختار نظام بین‌الملل در اتخاذ سیاست انزواگرایی مؤثر هستند. انزواگرایی دارای سوابق طولانی و متعددی در دوره‌های مختلف آمریکا است. یکی از اولین و قدیمی‌ترین نمونه‌های انزواگرایی به جورج واشنگتن مربوط است. براین اساس جورج واشنگتن اولین رئیس‌جمهوری آمریکا در سال ۱۷۹۶ نسبت به ائتلاف دائمی آمریکا با کشورهای دیگر هشدار داد و براساس این تفکر، آمریکا را کشوری استثنایی در عرصه بین‌الملل توصیف کرد. وی مدعی شد این استثناگرایی باید در تمام وجوه سیاست خارجی نمود داشته باشد. اوج این یکجانبه‌گرایی را می‌توان در

^۱ خبرگزاری ایرنا ۹۷/۰۷/۰۴

«دکترین مونروئه» مشاهده کرد. مونروئه در سال ۱۸۲۳ بر تفاوت رویکردها و نیت آمریکا و اروپا در نیمکره غربی اشاره می‌کند و آمریکا را قدرت مسلط بر این نیمکره می‌داند.

در ادامه این انزوگرایی، نوبت به اقدامات آمریکا در زمینه اقتصاد رسید. بر این اساس در سال ۱۹۲۲ «هاردینگ» رئیس‌جمهور جمهوری خواه آمریکا با اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه و افزایش ناگهانی عوارض گمرکی، اقتصاد جهان را به آستانه ویرانی کشاند. اولین پیامد این تصمیم سقوط بازارهای مالی و بدهکار شدن اروپا بود و پیامد نهایی آن در واقع به شکل یک بحران جهانی اقتصاد و بیکاری‌های گسترده خود را نشان داد. هاردینگ در سپتامبر سال ۱۹۲۲ با امضای قانون گمرکی موسوم به «فوردنی - مک‌کامبر» آن را اجرایی کرد، این قانون عوارض گمرکی برای کالاهای ورودی به آمریکا را به صورتی عجیب افزایش می‌داد.

اما این تمام ماجرا نیست در حقیقت باید گفت اختلاف نظر در این خصوص تنها منحصر به گذشته نبوده بلکه فضای سیاسی اخیر آمریکا نیز هنوز میراث دار این اختلاف نظر است. آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم در ایجاد نظام نوین و مطلوب خود در عرصه بین‌الملل تلاش گسترده‌ای کرد از دهه ۹۰ میلادی به بعد درگیر یک دوگانگی در این خصوص شد.

اما دیدگاه اول که انزوگرایی را انتخاب می‌کند معتقد است آمریکا با هدف آن که قدرت برتر بین‌المللی بماند ضرورتی ندارد چندان پایبند تعهدات و مقررات بین‌المللی باشد. به دیگر سخن این دیدگاه معتقد است اگر آمریکا خود را درگیر قواعد و مقررات بین‌المللی کند ناچار به هزینه کرد سرمایه‌های خود شده و در نتیجه تضعیف و عقب افتادن از رقبای خود را در پی دارد. لذا این دیدگاه معتقد است از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی باید تا جایی دنباله‌روی کرد که برتری و افزایش قدرت آمریکا را با محدودیت مواجه نکند. جمهوریخواهان همیشه چنین دیدگاهی داشتند و به همین دلیل در دوره جورج بوش پدر و جورج بوش پسر و همچنین در دوره ترامپ، آمریکا از بسیاری از رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی خارج شد.

اما دیدگاه دوم که با انزوگرایی مخالفت می‌کند معتقد است آمریکا زمانی می‌تواند برتری خود را حفظ کند که هزینه کمتری پرداخت کند و این هزینه در سایه تبعیت از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی محقق می‌شود. بدین مفهوم که وقتی آمریکا وارد سازمانی می‌شود به آن معناست که تمامی هزینه‌ها را برای مأموریت‌های آن سازمان، آمریکا پرداخت نخواهد کرد بلکه دیگر دولت‌ها نیز مشارکت خواهند داشت. از طرفی به اعتقاد این دیدگاه، تبعیت از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی باعث می‌شود که قدرت آمریکا مشروع و مقبول شود و دیگران به قدرت این کشور احترام بگذارند. همچنین این مسئله سبب می‌شود سیاست‌های آمریکا همواره از مشروعیت و مقبولیت برخوردار باشد. این دیدگاه مورد حمایت حزب دموکرات است.^۱

^۱ دیپلماسی ایرانی ۱۲ / ۰۸ / ۹۸

□ خروج گام به گام آمریکا از نهادها و تعهدات بین‌المللی

الف) خروج واشنگتن از سازمان‌های بین‌المللی به منزله بی اعتبار کردن آن‌ها

نظام بین‌الملل کنونی حاصل اتفاقات پس از جنگ جهانی دوم است که دو وجه اقتصادی و سیاسی آن توسط نهادهایی که حاصل طراحی دول پیروز بود راهبری می‌شود. یکی از مهمترین نهادها، سازمان ملل متحد است که شورای امنیت آن سازمان، نقش مهمترین ابزار قدرت‌ها را بازی می‌کند که تقریباً عموم کشورها راهی جز تبعیت از آن ندارند. البته این واقعیت باعث شده واشنگتن به بهانه‌های مختلف از این ساختار سوءاستفاده کند. آمریکا با خروج از سازمان‌های بین‌المللی علاوه بر زیرسؤال بردن حیثیت و پرستیژ بین‌المللی خود، در حال بی‌اعتبار کردن کامل نهادها و سازمان‌های بین‌المللی است. در نتیجه باید گفت: مخالفت ترامپ با نهادهای بین‌المللی به معنای مخالفت با نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و زیر سؤال بردن اصل وفای به عهد است. «وفای به عهد» بی‌تردید اصلی اساسی برای ضمانت اجرای قراردادهای و معاهدات دو یا چندجانبه است؛ پس اگر دولتی تنها بر اساس منافع خود و بی‌توجه به معاهده مد نظر و اصول حاکم بر فضای بین‌الملل اقدام به لغو قرارداد یاد شده کند، قطعاً و حتماً بی‌اعتمادی در فضای بین‌المللی را گسترش داده و در نتیجه اعتبار نظام بین‌المللی را به چالش می‌کشد.^۱

ب) نمونه‌های رفتاری واشنگتن در قبال سازمان‌های بین‌المللی



^۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی ۹۷/۰۲/۱۹

۱) خروج از پیمان تجاری شراکت فراپاسیفیک

پیمان تجاری اقیانوس آرام یا شراکت ترنس-پاسیفیک (انگلیسی: Trans-Pacific Partnership) (TPP) یک پیمان سرمایه‌گذاری و مقررات‌گذاری بین ۱۲ کشور حاشیه اقیانوس آرام به‌جز چین است که در ۴ فوریه ۲۰۱۶ در اوکلند نیوزیلند بعد از ۷ سال مذاکره نهایی شد. افزایش رشد اقتصادی، حمایت از ایجاد و نگهداری کار، افزایش نوآوری- بهره‌وری و رقابت، بالابردن سطح استاندارد زندگی، کاهش فقر در کشورهای طرف قرارداد، ارتقای شفافیت در حکومت، افزایش نیروی کار و حفظ محیط زیست از جمله اهداف این پیمان چند جانبه اعلام شده است. باراک اوباما رئیس جمهوری سابق آمریکا با تاکید بر اینکه اجرای TPP یکی از اهداف برنامه‌های تجاری دولت آمریکا است با امضای آن، به پیمان یادشده پیوست اما دونالد ترامپ در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۷ (۴ بهمن ۹۵) با صدور فرمان اجرایی از آن خارج شد. ترامپ پس از امضای این دستور اجرایی و خروج از این پیمان، گفت: «مدت زمان زیادی راجع این مسئله گفتگو کردیم. خروج از این پیمان ۱۲ کشوری، به سود کارگران آمریکایی خواهد بود.»^۱

۲) خروج از توافق‌نامه آب‌وهوایی پاریس

توافق پاریس (Accord de Paris)، که با نام پیمان پاریس نیز شناخته می‌شود، ذیل چارچوب پیمان‌نامه سازمان ملل در تغییر اقلیم (UNFCCC) در رابطه با کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری و امور مالی است. متن توافق‌نامه یادشده از سوی نمایندگان ۱۹۵ کشور در کنفرانس تغییر اقلیم ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد در پاریس مذاکره و با اجماع در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ تصویب شد. اما ترامپ که پیمان آب و هوایی پاریس را یک شوخی خوانده بود و از وجود آن ابراز ناخرسندی کرده بود، نهایتاً در تاریخ اول ژوئن ۲۰۱۷ (۱۱ خرداد ۹۶) تصمیم به خروج از این ائتلاف جهانی گرفت و بیان داشت که برای اجرای وظیفه‌اش در محافظت از آمریکا و مردم کشورش، خروج از معاهده پاریس را اعلام می‌کند.^۲ وی شرکت آمریکا در کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی را به زیان اقتصاد این کشور و مردم آمریکا دانست و اظهار کرد مذاکره برای یک معاهده جدید را آغاز خواهد کرد. آمریکا در نهایت در تاریخ ۱۳ مرداد ۹۶ به طور رسمی از این پیمان خارج شد.

۳) خروج برجام

برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام (به انگلیسی: Joint Comprehensive Plan of Action) توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بود که در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) پس از ۲۰ ماه مذاکره، در نهایت در وین اتریش بین ایران و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، انگلستان، آمریکا و آلمان) منعقد شد. در ۱۸ اردیبهشت ۹۷ یعنی حدود یکسال پس از به قدرت رسیدن ترامپ در کاخ سفید، وی با صدور فرمانی رسماً از این توافق بین‌المللی چند جانبه خارج شد.^۳

۴) خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

آمریکا چندی پیش و پس از انتقاداتی صریح، در خرداد سال گذشته (۳۰ خرداد ۹۷) از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد. نیکی هیلی، نماینده وقت آمریکا در سازمان ملل متحد، پیش از اعلام خروج از این شورا در سخنانی مدعی

^۱ ایسنا ۹۵/۱۱/۰۵

^۲ رادیو آمریکا ۹۶/۰۳/۱۱

^۳ باشگاه خبرنگاران جوان ۹۷/۰۲/۱۸

شده بود که این شورا «متناسب با نام خود عمل نمی‌کند». هیلی تصریح کرده بود که آمریکا بارها به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد این فرصت را داد تا در خود تغییراتی به وجود آورد. وی همچنین از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به علت «سوگیری های پیوسته خود علیه اسرائیل» انتقاد کرده و با اشاره به تصویب پنج قطعنامه این سازمان علیه اسرائیل در همان سال میلادی از این اقدام شورای حقوق بشر با عنوان «خصوصیت بی پایان» با رژیم صهیونیستی یاد کرده بود.^۱

۵) تهدید به خروج از سازمان تجارت جهانی

درست است که ترامپ هنوز از سازمان تجارت جهانی خارج نشده ولی این سازمان را به تعاملاتی غیرمنصفانه با آمریکا متهم کرد و سازمان تجارت جهانی را تهدید کرد که اگر در رفتار و عملکردش تغییر ایجاد نکند، واشنگتن از این سازمان خارج خواهد شد. ترامپ در توییتی نوشت «سازمان تجارت جهانی ورشکسته شده است، در حالی که ثروتمندترین کشورهای جهان به خاطر دور زدن این سازمان و دستیابی به تعاملات اقتصادی خاص، خود را در حال توسعه معرفی می‌کنند». وی همچنین در یادداشتی ویژه به نماینده تجاری آمریکا دستور داد تا در سازمان تجارت جهانی برای اصلاح عنوان کشورهای ثروتمندی که خود را کشورهای در حال توسعه می‌خوانند و از مزایای سازمان تجارت جهانی سوء استفاده می‌کنند، اقدام کند. ترامپ پیشتر تهدید کرده بود چنانچه ظرف ۹۰ روز آینده (از تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۱۹ - ۴ مرداد ۹۸) سازمان تجارت جهانی خواسته‌های وی را عملی نکند از این سازمان خارج خواهد شد.

۶) خروج از پیمان نفتا

رئیس جمهوری آمریکا در آذرماه ۹۷ در اقدامی دیگر، پس از شرکت در نشست با سران کشورهای گروه ۲۰ (G20) که در پایتخت آرژانتین برگزار شد، خروج واشنگتن را از «پیمان تجارت آزاد آمریکایی شمالی» موسوم به (نفتا) را اعلام کرد. این خبر در حالی رسانه‌ای شد که روز قبل از آن توافقی جدید میان سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک به امضا رسیده بود؛ توافقی با عنوان «پیمان ایالات متحده آمریکا-مکزیک-کانادا» (USMCA) که ترامپ، «انریکه پنانیه تو» و «جاستین ترودو» رؤسای جمهوری سه کشور به ثمربخش بودن این توافق نوپا ابراز امیدواری کردند. ترامپ در ابتدای روی کار آمدنش یکی از اصلی‌ترین اقدامات و برنامه‌هایش را مذاکره مجدد یا فسخ نفتا (پیمان تجارت آزاد منطقه آمریکای شمالی) اعلام کرده بود.^۲

۷) خروج آمریکا از پیمان تسلیحاتی INF یا پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد

سابقه این پیمان به سال ۱۹۸۷ و مذاکرات بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بر می‌گردد. این پیمان در واشنگتن، دی.سی. بین رئیس‌جمهور وقت آمریکا رونالد ریگان و دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی میخائیل گورباچف در ۸ دسامبر ۱۹۸۷ امضا شد. به موجب این پیمان همه موشک‌های هسته‌ای و متعارف و سکوها پرتاب آن‌ها تا فاصله ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر (کوتاه‌برد) و ۱۰۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر (میان‌برد) امحا شد. اما دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که به دلیل نقض مکرر این پیمان توسط روسیه، آمریکا از پیمان مذکور خارج خواهد شد. در ۱ فوریه ۲۰۱۹ مصادف با ۱۲ بهمن ۹۷ نیز آمریکا به طور رسمی از این پیمان خارج شد.^۳

^۱ خبرگزاری تسنیم ۹۷/۰۳/۳۰

^۲ خبرگزاری جمهوری اسلامی ۹۸/۰۱/۰۵

^۳ دویچه وله ۹۸/۰۵/۱۱

□ رویکرد ترامپ در قبال محاکم بین‌المللی

نگاهی گذرا به تاریخچه سیاست خارجی آمریکا بیانگر این واقعیت است که مقامات آمریکایی همواره مانع مداخله سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی خود شده‌اند. ترامپ نیز در سه سال گذشته به مانند گذشتگان همین رویکرد را البته شاید تندتر به اجرا در می‌آورد. وی معتقد است که اتخاذ سیاست‌های متناقض داخلی و خارجی موجب می‌شود که کشورهای دیگر این جرئت را به خود داده تا منافع آمریکا را در محاکم بین‌المللی به چالش بکشند. بنابراین از نظر وی تنها راه مقابله با چنین فرآیندی خروج آمریکا از این محاکم و یا قطع بودجه آنها است.

”دیوان بین‌المللی کیفری“ مستقر در لاهه از جمله محاکم بین‌المللی است که در سال ۲۰۰۲ تاسیس شد تا اشخاص حقیقی را برای ارتکاب جرائم بین‌المللی همچون نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی محاکمه کند. آمریکا و رژیم اشغالگر قدس از جمله رژیم‌هایی هستند که به دلایلی اساسنامه این دادگاه (موسوم به اساسنامه رم) را هنوز به تصویب نرسانده‌اند. در ماه نوامبر سال ۲۰۱۷ یکی از دادستان‌های دیوان خواستار تحقیق در خصوص جنایات جنگی علیه بازداشت‌شدگان در جنگ افغانستان توسط ارتش آمریکا شد. همچنین در ماه ژوئیه ۲۰۱۸ و سه تن از قضات دیوان دستور دادند که در اسرع وقت یک سیستم اطلاعات عمومی و فعالیت‌های حمایتی به نفع قربانیان و اقشار آسیب‌دیده در فلسطین (ناشی از درگیری‌های بین اسرائیل و فلسطین) ایجاد شود. اما در مقابل آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در سپتامبر سال ۲۰۱۸ صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص موارد فوق را زیر سؤال برده و رسیدگی دیوان به این قضایا را غیرقابل قبول اعلام کردند.

نمونه دیگر مربوط است به ”دیوان بین‌المللی دادگستری“ که رکن قضایی سازمان ملل متحد است. رسیدگی این دیوان به چند شکایت اخیر (در خصوص ایران و فلسطین) بر ضد دولت آمریکا، واکنش‌های تند دولت ترامپ را موجب شد. شکایت ایران علیه دولت آمریکا در نزد دیوان در خصوص بلوکه شدن حدود دو میلیارد دلار از دارایی‌های بانک مرکزی ایران در سال ۲۰۱۶ و همچنین شکایت ایران در ماه ژوئیه ۲۰۱۸ در خصوص نقض معاهده مودت توسط آمریکا به علت اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران مواردی بودند که دولت ترامپ را به موضع‌گیری سرسختانه در مقابل دیوان بین‌المللی دادگستری واداشته است.

با در نظر گرفتن استدلال‌های مقامات آمریکایی در خصوص کارکرد مهمترین محاکم بین‌المللی، شکی نیست که اعتراض به صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به جرائم بین‌المللی و اختلافات بین‌المللی در مقام دفاع نمادی از اصل حاکمیت کشورهاست. اما بی تردید تهدید به اعمال تحریم‌های سنگین علیه محاکم فوق، صرفاً به دلیل محکومیت آمریکا در مواردی خاص، مغایر با اصل حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طرق مسالمت‌آمیز بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل است.^۱

□ کلام آخر

نتیجه بررسی دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ حکایت از اصرار وی به خروج از پیمان‌های بین‌المللی دارد. اقدامات وی در مقام رئیس جمهوری آمریکا در زمینه سیاست خارجی باعث ایجاد تنش‌های زیادی در عرصه بین‌المللی شده

^۱ یورونیوز ۹۷/۱۰/۰۶

است. ترامپ اساساً اعتقاد و تعهدی به موازین بین‌المللی ندارد. یکی از مهمترین مشخصه‌های زمامداری ترامپ، رویکرد منفی وی در قبال سازمان‌ها، توافق‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و به دیگر سخن تعهدگریزی وی نسبت به نظام بین‌الملل است. این اقدامات یکجانبه در قالب پیشبرد شعار "نخست آمریکا" از سوی ترامپ صورت گرفته است. اما نتیجه مستقیم این نوع رفتار ترامپ همانا تضعیف نظام بین‌الملل و به طور مشخص «اصل رفای به عهد» است.

هر چند این رفتار به نوعی ریشه در جمهوری خواه بودن وی دارد و اصولاً فعالان این حزب نسبت به نهادهای بین‌المللی و نظام بین‌الملل، انزواگرایی را می‌پسندند ولی به نظر می‌رسد شخص ترامپ در زمینه خروج از پیمان‌های بین‌المللی گوی سبقت را از دیگران ربوده باشد. نکته مهم که بر میزان نگرانی‌ها می‌افزاید خروج آمریکا از پیمان‌های منع گسترش تسلیحات است. در حقیقت باید گفت ادامه روند کنونی در زمینه ایجاد تزلزل در نظام امنیت بین‌المللی با خروج و زیر سؤال بردن پیمان‌های کنترل تسلیحات از سوی واشنگتن نه فقط باعث گسترش تسلیحات ممنوعه طبق این پیمان‌ها و در نتیجه بروز مسابقه تسلیحاتی جدیدی در سطح بین‌المللی خواهد شد، بلکه ثبات و امنیت جهانی را در معرض مخاطره جدی قرار خواهد داد.

هر چند جمهوری خواهان به خصوص دونالد ترامپ در نقض قوانین و مقررات بین‌المللی کارنامه سیاهی دارد به نظر می‌رسد که میان دو حزب دمکرات و جمهوری خواه در نقض قوانین بین‌المللی چندان تفاوت فاحشی وجود ندارد. آنچه مورد توافق و پذیرش هر دو جریان سیاسی اصلی آمریکاست این شعار و نگاه ابزاری آمریکا به نهادهای بین‌المللی است که؛ یک‌جانبه‌گرایی هر جا که لازم باشد و چندجانبه‌گرایی هر جا که ممکن باشد!

